

جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی؛ چالش‌ها، هنجارها و راهبردها

سیدعباس پورهاشمی^۱

پیمان نمایان^۲

p_namamian1512@yahoo.com

سبحان طیبی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۱۵

چکیده

زمینه و هدف: امروزه سوءاستفاده از محیط‌زیست و موجودات زنده جهانی، هم به صورت هدف و هم به عنوان ابزاری برای فعالیت تروریستی آشکار و نمایان گردیده است. در این راستا «جنگ سبز» با تغییر چهره تروریسم به عنوان پدیده‌ای نوظهور در دنیای معاصر پدیدار گشته است. با این توصیف نه تنها حقوق بین‌الملل، بلکه حقوق داخلی (ملی) نیز برای مقابله با این تهدیدات همگام نبوده است. هرچند اصول حقوقی کاربردپذیر، نیز در جای خود نتوانسته با راهبردهای ضدتروریسم موجود به طور مؤثر عمل نماید و متناسب با این بحران‌ها راهکار ارائه نماید. تروریسم سبز یا تروریسم زیست‌محیطی از جمله تروریسم نوین بوده که عناصر زیست‌محیطی را به راحتی در جهت و مسیر فعالیت‌های خود قرار می‌دهد.

روش بررسی: پژوهش پیش‌رو بر اساس اصول توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای بوده که با امعان نظر به جوانب این پدیده نوظهور ابعاد کلاسیک و نوین تروریسم مورد مذاقه قرار گرفته است.

یافته‌ها: ضمن عملی ساختن راهبردهای موجود در مقابله با تروریسم زیست‌محیطی، در این پژوهش تلاش شده است تا با هدف ارائه راهبردی مؤثر، در پرتو رهیافت‌های حقوق کیفری نوین برای مقابله با «تروریسم سبز» یا «اکوسیستم‌کشی»، راهبردهای مؤثری را برای مقابله با این تهدیدات نوظهور ارائه گردد.

نتیجه‌گیری: برآیند پژوهش پیش‌رو تقویت راهکارهای عملی مقابله با تروریسم سبز و به کار بستن راهبردهای مؤثر همچون دادخواهی زیست‌محیطی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی با امعان نظر به ابزارهای قانونی است. در این راستا جرم‌انگاری سبز نیز به عنوان یک راهبرد سبز می‌تواند اقدامی برای مقابله با تروریسم زیست‌محیطی تلقی گردد.

واژه‌های کلیدی: تروریسم زیست‌محیطی، تروریسم نوین، سلاح‌های کشتار جمعی، جرم‌انگاری تروریسم، حقوق حفاظت از محیط زیست

۱- استادیار حقوق محیط زیست، دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه علوم و تحقیقات، و عضو مرکز مطالعات حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یوکم کانادا.

۲- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه خوارزمی و پژوهشگر حقوق بین‌المللی کیفری.

۳- دانشجوی دکتری حقوق محیط زیست، دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه علوم و تحقیقات.

مقدمه

با وجود این، تروریسم زیست‌محیطی، «به هر اقدامی اطلاق می‌گردد که با بهره‌گیری از مواد سمی و خطرناک، آسیب و تهدیدی را که نوعاً برای محیط زیست انسان‌ها، حیوانات و محیط طبیعی با هدف ایجاد اختلال شدید در نظم عمومی از طریق هراس‌افکنی یا ایجاد وحشت فراهم نماید.» (۱)

تروریسم زیست‌محیطی هم‌چون جنگ زیست‌محیطی مشتمل بر استفاده از عوامل یا نیروهای طبیعت به عنوان سلاح است (۲). ترویست‌های زیست‌محیطی به نام تعصب سیاسی یا ایدئولوژیک^۱ عاصداً محیط زیست را نابود یا در معرض تغییر و تحول قرار می‌دهند، هر چند چنین روش‌هایی برای مدتی طولانی در زمان جنگ به کار رفته‌اند، اما همین اواخر به عنوان یک گزینه موفق برای تروریست‌ها ظاهر شده‌اند. (۴) پایان جنگ سرد و تغییر چهره تروریسم مهم‌ترین عوامل سهیم در رشد این گروه‌ها هستند. (۵)

حرکت این تهدید نوپا از توانایی قانون برای نشان دادن واکنش سریع‌تر بوده است. سازوکارهای قانونی موجود برای مقابله با تروریسم زیست‌محیطی به اصول موجود حقوق زیست‌محیطی و تروریسم متکی هستند که برای مقابله با این معضل خاص بی‌کفایت می‌باشند. (۶) این اصول حقوقی برای مقابله با تهدید تروریسم زیست‌محیطی مناسب نیستند؛ چرا که: الف-

۱- سه رویکرد تئوریک در تبیین نسبت تأثیر ایدئولوژی بر تروریسم مطرح است: الف- مبنایان (Primordialism) اعتقاد دارند نزاع‌ها ریشه در تفاوت‌های هویتی و فرهنگی و نگرشی و نیز تفاوت در سنت‌های ایدئولوژیک و جهان‌بینی‌های گروه‌های مختلف درون یک کشور داشته و صرف این تفاوت‌ها به همراه برخی شرایط تسهیل‌کننده می‌تواند باعث بروز خشونت و در بدترین شکل آن تروریسم گردد. ب- ابزارگرایان (Instrumentalism) معتقدند تفاوت در سنت‌های ایدئولوژی و جهان‌بینی‌های آنان علت بروز تروریسم و منازعات سیاسی نیست. ابزارگرایان معتقدند ورود ایدئولوژی به منازعات سبب پیچیده‌تر شدن فضای آن‌ها و نیز شدت گرفتن آن‌ها خواهد شد. ج- سازه‌انگاران (Constructivism) رویکرد تئوریک سوم پیرامون ارتباط ایدئولوژی و تروریسم میان دو نظریه قبلی قرار گرفته و رویکردی مبتنی بر سازه‌انگاری است. سازه‌انگاران منازعات اجتماعی و تروریسم را ناشی از ساختار معرفتی نظیر ایدئولوژی، ناسیونالیسم، قومیت و ... می‌دانند. (۳)

محیط زیست بیش از پیش به عنوان یک ارزش و میراث مشترک بشریت به طور کلی درک و دریافت می‌شود. ارزشی که حفاظت و حراست آن وظیفه کل جامعه بشری است، اما متأسفانه امروزه افزایش آسیب‌های زیست‌محیطی، به جهت عدم رعایت قواعد صحیح و مبرز حقوقی توجه گستره جوامع بشری را در ابعاد بین‌المللی و جهانی به خود معطوف داشته است.

این در حالی است که آسیب‌های زیست‌محیطی جلوه بارز خود را در جرایم زیست‌محیطی می‌یابند. جرایم زیست‌محیطی که هرگونه فعل تضرر به محیط زیست قلمداد می‌شود، ماهیت متفاوتی در مقایسه با دیگر جرایم دارد و به واسطه ماهیت پیچیده و چندبعدی خود شناخت آن نیز مشکل است.

بنابراین، جرم زیست‌محیطی را می‌توان به «هر نوع فعلی یا ترک فعلی اطلاق نمود که موجب ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به مخاطره افکندن جدی سلامت بشر می‌شود.»

از این رو، به طور کلی جرایم زیست‌محیطی با توجه به ماهیت آن‌ها به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند:

الف- جرایم ارتكابی نسبت به جانداران موجود در محیط زیست شامل، انسان‌ها، جانداران گیاهی و حیوانی.

ب- جرایم ارتكابی نسبت به عناصر بی‌جان در محیط زیست از قبیل آب و هوا، خاک، صدا و آلودگی‌های شیمیایی.

بنابراین اقداماتی است که در راستای نقض حقوق و امنیت در گستره محیط زیست در شقوق مورد اشاره حادث می‌گردد و موجبات آسیب‌های شدیدی را فراهم می‌نماید. از این رو، مهم‌ترین اقدامی که در جهت تهدید محیط‌زیست صورت می‌پذیرد «تروریسم زیست‌محیطی» است که به رغم عدم تکثر و گستردگی ارتكاب در پهنه جهان، اما می‌تواند نمود بارزی در طول درگیری‌های مسلحانه و نیز آزمایش‌های هسته‌ای و شیمیایی داشته و لطمات جبران‌ناپذیری را بر پیکره محیط زیست وارد خواهد نمود.

به عنوان مثال، در قرن هفدهم، هلندی ها برای جلوگیری از پیشرفت دشمنان خود تمام زمین های پست خود را به طور عمد زیر آب مغروق ساختند. در جنگ ویتنام، امریکا برای نابود کردن پوشش گیاهی و جنگل ها و محرومیت دشمن خود از پوشش، تحرک و معیشت، نواحی وسیعی در جنوب ویتنام را با علف کش ها از بین برد. حال به واسطه معاهدات بین المللی و حقوق بین الملل چنین تاکتیک هایی در جنگ بین کشورها منع گردیده است. (۱۰) با این وصف، هیچ سازوکاری برای بازدارندگی تروریست ها از مشارکت و اقدام در تخریب عمدی محیط زیست وجود ندارد. در واقع پایان جنگ سرد و تغییر چهره تروریسم، تروریسم زیست محیطی را به طرز بسیار محتمل ممکن ساخته است.

۱-۲- تروریسم پس از جنگ سرد

تروریست ها هم مثل ملت های جنگجوی پیش از خود طالب مهار کردن عوامل طبیعت هستند، زیرا هزینه کردن متوسط زمان و تلاش می تواند به ویرانی مخرب بلند مدتی منجر شود. در گذشته دشواری در فراهم سازی اسباب ایجاد این ویرانگری و مضیقه های ژئوپلیتیک جنگ سرد، تهدید زیست محیطی تحمیل شده توسط تروریست ها را محدود می کرد (۱۱). مع هذا پایان جنگ سرد عمده تاً موجب از میان رفتن این محدودیت ها شد. با توجه به حدود و ثغور سیاسی، تروریست ها علاوه بر این که مجبور بودند در طول جنگ سرد در حیطه آن عمل کنند، میل داشتند حملات عجولانه و تسنجیده را محدود سازند. امریکا و شوروی برای کنترل تروریسم به ویژه برای جلوگیری از کشورهای یک ملیتی در جهت حمایت از فعالیت تروریستی رنج زیادی بردند. امروزه کشمکش های مذهبی، قومی و ناسیونالیستی جای آن حدود و ثغور سیاسی را گرفته اند. سازمان های تروریستی هم به خاطر کسب درآمد به بی اعتبار کردن کشورها و جرایم سازمان یافته روی آورده اند. برخی کشورها که دیگر در برابر خواسته های ابرقدرت ها تسلیم نمی شوند، فوراً از فعالیت های تروریستی در سراسر دنیا حمایت می کنند. پایان جنگ سرد هم به عنوان یک عامل پیش برنده

مجموعه قوانین پیچیده زیست محیطی به طور مؤثر در چارچوب راهبردهای ضد تروریسم موجود از جنبه مقابله با تروریست ها به مانند جنایتکاران عادی عمل نمی کنند؛ ب- این اصول وظیفه حقوق کیفری را به طور شایسته به انجام نمی رسانند. (۷) با این وصف به نظر می رسد که مقابله با تروریسم زیست محیطی به یک حقوق کیفری جدید نیاز دارد. «قانون منع اکوسیستم کشی»^۱ یا دستکاری یا نابودسازی عمدی یا سهوی هر جنبه از محیط فیزیکی، (۸) سازوکاری را برای مجازات تروریست های زیست محیطی در چارچوب ساختارهای حقوقی موجود فراهم می سازد و در عین حال بر قباحت اجتماعی چنین عملی صحنه می گذارد.

۱- پیشینه و تحولات

تروریسم زیست محیطی همانند جنگ زیست محیطی مشتمل بر استفاده از عوامل طبیعت به منظور مخاصمه است. تروریسم زیست محیطی هم هدف گیری خود محیط زیست مانند آلوده کردن عمدی منابع آب یا کشاورزی و هم استفاده از محیط زیست به عنوان مجرای برای ویرانگری نظیر انتشار سلاح شیمیایی یا بیولوژیک به داخل اتمسفر را در بر می گیرد. عناصر اکوسیستم جهانی که به منظور مخاصمه مورد استفاده قرار گرفته یا می توانند بگیرند، در دامنه عوامل پیچیده هسته ای تا انرژی ساده و کارآمد آب قرار دارند. در این راستا استفاده از چنین عواملی در گذشته عواقب مخربی از قبیل مرگ و میر، صدمه جسمی و مخاطرات خطرناک اکولوژیک را در بر داشته است.

۱-۱- ظهور تروریسم زیست محیطی

محیط زیست در قرون متمادی به مثابه یک سلاح جنگی مورد استفاده قرار گرفته است. (۹) در طول تاریخ، متجاوزان و مدافعان از عوامل طبیعت علیه دشمنان خود استفاده کرده اند.

۱- اکوسیستم کشی در واقع نابود کردن زیست بوم به واسطه تحرکات نظامی و شبه نظامی در جهت رسیدن به اهداف ناهمگون تروریستی است. در این راستا اکوسیستم کشی در ارتباط مستقیم با بیوتروریسم می باشد.

دانند(۱۷). به خاطر این شاخه جدید تروریسم است که عوامل مخرب طبیعت جنبه وسوسه انگیزی دارند(۱۸). گروه‌ها و افرادی که به واسطه تعصب دینی یا ایدئولوژیک^۲ نویدبخش، به جای محاسبات سیاسی سنتی برانگیخته می‌شوند با احتمال بیش تری در تروریسم زیست محیطی درگیر می‌شوند، زیرا معتقدند توجیه اخلاقی برای این کار دارند(۲۰). نیروی مشروع کننده ایدئولوژی متعصبانه قدرت شرکت در نوعی رفتار را به این گروه‌ها می‌بخشد که از نظر بسیاری از تروریست‌های دارای انگیزه سیاسی غیراخلاقی یا زبان آور است(۲۱). منظور این نیست که تروریست‌هایی که انگیزه‌ای سنتی تر دارند برای تروریسم زیست محیطی ارزش قابل نمی‌شوند. با این وصف اهداف وسیع‌تر چنین سازمان‌هایی اغلب باعث تحمیل محدودیت‌هایی بر خودشان می‌شود. تروریسم زیست محیطی مهارناپذیر می‌تواند تصویر گروه را لکه دار کند. انسجام گروه را به خطر بیندازد، اجزای سازنده ادراکی را از خود بیگانه کند و شدت عمل‌هایی را تحریک کند که گروه نتواند جان سالم از آن به در ببرد.

ضرورت وجود اقدامات تروریستی در آن چه از نظر مخاطب مناسب است، به عنوان یک عامل محدود کننده در مورد ترور مذهبی یا ایدئولوژیک وجود ندارد. محدودیت‌هایی که به دلیل سیاسی تحمیل می‌شوند در مورد کسانی کاربردپذیر نیست که معتقدند به علت اهداف دینی یا ایدئولوژیک عمل می‌کنند. به نظر می‌رسد تعداد گروه‌هایی که به علت چنین اهدافی عمل می‌کنند رو به افزایش است. هر چند افراط‌گرایی که الهام بخش بمب‌گذاران مرکز تجارت جهانی بوده عمدتاً به عنوان انگیزه‌ای متعصبانه شناخته شده، اما اصلاً تنها انگیزه نیست. فرقه‌های هزاره یعنی گروه‌هایی که معتقدند هزاره جدید پایان تمدن را به ارمغان می‌آورد، نیز استعداد خشونت جمعی

۱- تروریست‌هایی که مرتکب اعمال تروریستی و غیر انسانی می‌شوند مسلماً از توطئه‌شان که محصول حقوق خاص تأمین شده است بهره‌مند می‌گردند. به نظر می‌رسد به صرف اعتقادات مذهبی که صراحتاً درگیر آن بوده آن‌ها به انجام این اعمال که به آن‌ها القا شده تشویق می‌شوند. این گروه‌ها ممکن است از گروهک‌ها یا انجمن‌های ویژه‌ای باشند که ارزش‌ها و تلقین‌هایی برای خود دارند. (۱۹)

زمینه مساعدی در موجودیت سلاح‌های کشتار جمعی ایجاد کرده است(۱۲). تهدید تروریسم هسته‌ای یک تهدید تازه نیست، اما فروپاشی شوروی باعث افزایش چشمگیری در تداوم آن شده است. در سال ۱۹۹۴ برخی اعتقاد دارند: «یک تهدید جنایی از تمام تهدیدهای دیگر بزرگ‌تر به نظر می‌رسد که این مساله همانا سرقت یا رها کردن مواد رادیواکتیو روسیه و اروپای شرقی است.»(۱۳) هم‌اکنون انتشار هسته‌ای-فروش، سرقت، یا رها کردن سلاح و مواد هسته‌ای که زمانی به طور متمرکز توسط دولت شوروی نگهداری می‌شدند- یک واقعیت است(۱۴). پلیس آلمان در اگوست ۱۹۹۵ سیصد و پنجاه گرم سوخت اتمی را در یک پرواز تجاری از مسکو به مونیخ کشف کرد. مضامین چنین انتشاری در مباحث آتی مطرح می‌شوند.

۱-۳- تروریسم نوین

تهدید نوظهور تروریسم زیست محیطی^۱ از ماهیت متغیر خود تروریسم پدید می‌آید. تروریسم از دیرباز عاملی برای خشونت یا تهدید به خشونت برای ایجاد فضای رعب و وحشت بوده است(۱۵). تروریسم کلاً از اعمالی شکل گرفته که برای ارسال یک پیام یا اجرای یک نحوه اقدام خاص منظور شده‌اند(۱۶). به گفته برایان جنکینز کارشناس تروریسم، تروریست‌ها سال‌های متمادی یک جمعیت تماشاچی(نه یک جمعیت مرده) را می‌خواستند.

اما شواهد به طور روزافزون حکایت از آن دارند که خیلی از تروریست‌ها هدف خود را تغییر داده و حالا بیش‌تر به کشتار جمعی علاقمند هستند. حوادث اخیر نظیر مرکز تجارت جهانی و بمب‌گذاری در شهر اوکلاهما و حمله گاز سارین به متروی توکیو بر این روند تأکید دارند. برخی از کارشناسان اعتقاد دارند دیدگاه قدیمی این بود که تروریست‌ها نگران افکار عمومی هستند، اما حالا مشغله فکری آن‌ها پاداش اخروی و نه پاداش دنیوی است و به زانو درآوردن تمدن را یک تکلیف دینی می‌دانند.

۱- در خصوص تروریسم نوین زیست محیطی و بیوتروریسم از آن به «خشونت سبز» یاد می‌شود.

۲- اقسام، طرق و روش ها

۲-۱- گزینه هسته ای

سناریوی قدیمی تروریسم هسته ای مشتمل بر منفجر کردن ادوات هسته ای در محیط شهری است (۲۳). هر چند این به طور قطع یک گزینه هسته ای موجود برای تروریست هاست، اما به هیچ وجه تنها گزینه نیست. تخریب مشابه آن با خرابکاری^۲ در راکتور هسته ای تجاری یا با حمله به یک حمل کننده سلاح یا مواد شیمیایی حاصل می گردد.

اقدام تروریسم هسته ای مستلزم اقدام آشکار به خشونت نمی باشد. رهبر چریک های چچن، شمیل باسایف، در ۲۳ نوامبر سال ۱۹۹۵ به یک شبکه تلویزیونی روسیه اطلاع داد که چهار جعبه سزیم رادیواکتیو در اطراف مسکو پنهان شده اند. بعداً این شبکه یک جعبه سی و دو کیلوگرمی آن ماده را کشف کرد که باعث انتشار رادیواکتیویته ای بیش تر از ۳۰۰ برابر مقدار رادیواکتیو نرمال می شد، این بسته در پارک اساعیلووی مسکو کشف شد. هر چند تهدید واقعی در کم ترین حد از آب درآمد، اما این سانحه خطر تحمیل شده از مصرف منفعل مواد هسته ای توسط تروریست ها را مشخص نمود.

ساده تر از آن ساختن بمب کثیف است. یعنی یک وسیله معمولی با روکش شدیداً رادیواکتیو. از انفجار بمب پیچیده شده در ماده رادیواکتیو می توان برای آلوده کردن یک ناحیه مجزا استفاده کرد. با این وصف این ابزار نگرانی وجود دارد که چنین وسیله ای می تواند برای آلوده کردن ساختمان ها یا منابع آب مورد استفاده قرار بگیرد.

از طرفی تروریست ها می توانند با به کارگیری تاکتیک های سنتی برای اهداف هسته ای به این اهداف دست پیدا کنند. یک گروه تروریستی که میل یا توان ساختن یک سلاح هسته ای را نداشته باشد می تواند با یک موشک قابل حمل به یک نیروگاه هسته ای یا تأسیسات فراوری اورانیم حمله کند. هر چند عده ای از کارشناسان اثربخشی چنین حمله ای را زیر سؤال برده اند (۲۵)، عده ای دیگر به این نتیجه رسیده اند که جنبه

را دارند. مثلاً فرقه آئوم شینریکیو که حمله گاز اعصاب سال ۱۹۹۵ به متروی توکیو را به انجام رساند، از چنین اعتقاداتی برای توجیه تولید و مصرف سلاح های شیمیایی استفاده می کند. آن ها معتقد بودند یک حمله شیمیایی هیجانانگیز سری را که از نظرشان اجتناب ناپذیر بود آشکار و بر می انگیزد.

بسیاری از گروه های داخلی هم به واسطه ایدئولوژی های تندرو برانگیخته می شوند که فراتر از راهبرد و خود محدودسازی تروریست سنتی می باشد (۲۲). به عنوان مثال جنبش وطن پرستی جناح راست در اثر ترس پارانوئیدی اش از یک توطئه نابسامان مشتمل بر حکومت فدرال، سازمان ملل، و سایر عوامل شوم برانگیخته شده است. این پارانویا به آتش رشد غیر منتظره سال های اخیر عضویت در سازمان های شبه نظامی و وطن پرست دامن زده است.

این شاخه جدید تروریسم علاوه بر انگیزه های بیگانه هراسی به کمک ساختارهای سازمانی پراکنده تر مشخص می شود. گروه های تروریستی سنتی عموماً به عنوان سازمان هایی مشخص با یک ساختار منسجم اما ساده انگار در فرماندهی و کنترل تعریف شده اند. سازمان بر اساس چنین ساختاری وقت و منابع را به جمع آوری اعانه و تبلیغ در کنار برنامه ریزی برای اقدامات آینده اختصاص می دهد. نژاد جدید تروریست ها رابطه چندانی با این قبیل ملاحظات سازمانی ندارد و این گروه ها به دنبال مشروعیت، به رسمیت شناسی یا امتیازاتی برای دلیل خود نیستند و فی نفسه تمایلی به انجام مذاکره ندارند.

در آوریل سال ۱۹۹۵ معاون اسبق سازمان سیا ویلیام استودمن^۱ در مورد تهدید تحمیلی این نژاد جدید تروریست ها چنین هشدار داد: این گروه ها که اغلب تک موردی هستند به طریقی حتی از گروه سنتی خطرناک تر می باشند، چون یک هویت سازمانی رسمی ندارند و میل دارند فعالیت های خود را غیر متمرکز و بخش بندی کنند. یونا الکساندر کارشناس تروریسم این روش جدید عملیات را به عنوان «نابسامانی کاملاً سازمان یافته» توصیف کرده است.

۲- سابوتاژ؛ خرابکاری عمدی در کارخانه، معادن، قطار آهن و غیره؛ تخریب پل ها، جاده ها و غیره. (۲۴)

1- William Studman

چرنوبیل به نسل کشی اکوسیستمی (اکوسیستم کشی) در منطقه پیرامون نیروگاه منجر گردید.

هر چند بعید است تروریست‌ها بتوانند یک تهاجم هسته ای به بزرگی سانحه چرنوبیل را به راه بیندازند، اما بعید نیست یک حمله با هدف راهبردی بتواند تخریب زیست محیطی مشابهی را به بار بیاورد. به عنوان مثال، یک تهاجم هسته‌ای در قلب کشاورزی بنراسکا یا آیوا می‌تواند هزاران هکتار از حاصل خیزترین زمین‌های کشاورزی دنیا را آلوده کند. به همین صورت آلوده‌سازی رادیواکتیو سرچشمه‌های رودخانه می‌سی‌سی‌پی یا کلرادو می‌تواند آثار مخربی برای اکوسیستم‌های اجتماعات متعدد موجود در ده ها ایالت را در پی داشته باشد.

۲-۲- تروریسم شیمیایی و بیولوژیک

۲-۲-۱- عوامل (سازه های) شیمیایی

سلاح های کشتار جمعی شیمیایی مانند گاز خردل، فشرن و کلر ابتدا در جنگ اول جهانی مورد استفاده قرار گرفتند و در دهه های بعد از آن در جنگ های مجزا به کار رفته اند (۲۸). سازه های شیمیایی ترکیبات سنتزی سریع العملی هستند که در ابتدا برای مسموم کردن نیروهای دشمن طراحی شدند. این سلاح ها در دامنه قدرت سازه‌هایی با صدمه نسبتاً خفیف مانند گاز اشک آور تا سازه های خونی و تاول زا مثل گاز خردل و سیانید قرار دارند. سازه های عصبی سمی ترین سلاح شیمیایی هستند. سازه های عصبی با حمله به دستگاه عصبی مرکزی بدن باعث مرگ می شوند. کسانی که گاز اعصاب را استشاق یا از طریق پوست جذب کنند شروع به لرزیدن کنترل نشدنی کرده و فوراً خفه می شوند.

سلاح های شیمیایی دارای دو نوع پایدار و غیرپایدار هستند. یک سازه پایدار که روزها یا حتی هفته ها پایدار می ماند، می تواند نواحی پهناوری را به روی فعالیت انسانی مسدود نماید. سازه های غیر پایدار سریعاً توسط باد برده شده یا خشک می شوند. اجزای مورد نیاز برای ساختن بسیاری از این ترکیبات در بازار عرضه می شوند. علاوه بر این کارشناسان معتقدند هر

عمومی خطر ناشی از حملات تروریستی به تأسیسات هسته ای تجاری را آشکار می سازد (۲۶).

در نهایت، از نقطه نظر زیست محیطی وسایل اهداف هسته ای تروریست ها پیامد زیادی ندارند. یک مسأله مرتبط تر، تأثیری است که هسته ای شدن بر روی محیط زیست دارد. در حالی که متغیرهای بیشماری که در بازی هستند عملاً کمی سازی آثار زیست محیطی خاص یک اقدام تروریسم هسته ای را غیر ممکن می سازند. در این راستا می توانیم پیامدهای بالقوه را از یکی از مطالعات موردی غم انگیز تاریخ هسته ای استنتاج کنیم.

در سال ۱۹۸۶ آزمایشی در نیروگاه هسته ای چرنوبیل در اوکراین از کنترل خارج و منجر به انفجار عظیمی شد که چندین تن اورانیوم شدید رادیواکتیو را در اتمسفر منتشر کرد (۲۷). حداقل هفتاد درصد از این آلودگی نسبت به انسان، محصولات زراعی و حیوانات بلاروس اثر گذاشت. بلاروس از دهه انفجار چرنوبیل به یک زباله‌دان هسته ای تبدیل شده است. فقط یک درصد از منظره بلاروس آلوده نشده است. بیش تر از سی هزار هکتار از پربارترین زمین های کشاورزی روسیه، اوکراین و بلاروس متروکه شده اند و لاقل هفتاد هزار کیلومتر مربع از مزارع رادیواکتیو شده اند.

دانشمندان «مؤسسه علوم و تحقیقات ملی بلاروس» در بخش رادیوبیولوژی کشاورزی برآورد کرده اند که دست کم ششصد سال طول می کشد تا بتوان دوباره به پرورش مطمئن محصولات زراعی در آلوده‌ترین مناطق پرداخت. بارش هسته‌ای چرنوبیل کل اکوسیستم منطقه را آلوده کرده است. رودخانه پرپیپات که از مجاورت نیروگاه جاری بوده و منبع کل آب آشامیدنی و شستشو در منطقه می باشد حالا یکی از رادیواکتیو‌ترین رودخانه‌های بلاروس به شمار می رود.

در داخل منطقه ممنوعه سی کیلومتری اطراف چرنوبیل، برگ های سوزنی کاج های غول آسا از درختان کاج و غان جهش یافته می رویند. ماهی ها و دام هایی که غذای پرتو دیده را مصرف می کنند اشعه را در بدن خود انباشته می کنند که بعد وارد چرخه غذایی خواهد شد. در اصل سانحه هسته ای

گالن سیانید را یافتند که برای مسموم کردن منبع آب واشنگتن دی سی و شهر نیویورک منظور شده بود.

۲-۲-۲- عوامل بیولوژیک

سلاح بیولوژیک دارای ارگانیزم های بیماری زااست که برای ایجاد بیماری و مرگ طراحی می شود و آن طور که اغلب تصور می شود لزوماً روند همه گیری را شروع نمی کند. بیش تر عوامل بیولوژیک در اثر تماس مستقیم باعث مرگ می شوند. به عنوان مثال هاگ سیاه زخم در داخل ریه قربانی تکثیر می شود اما قربانی آن را به دیگران منتقل نمی کند. سلاح های بیولوژیک می توانند تأثیر مخربی بر روی محیط زیست طبیعی داشته باشند. ورود میکرو ارگانیزم ها تا حدی اکوسیستم یک منطقه را تغییر می دهد که ممکن است برای مدت زمان نامحدودی قابل سکونت نباشد. مثلاً در سال های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲، انگلیسی ها بمب های سیاه زخم آزمایشی را بر روی جزیره گرونارد در اسکاتلند منفجر کردند. میلیون ها هاگ سیاه زخم در خاک جزیره دفن شدند. این جزیره به رغم ده ها سال تلاش برای آلودگی زدایی هنوز قابل سکونت نیست. سلاح های بیولوژیک مثل سیاه زخم به آسانی و با هزینه ای ناچیز تولید می شوند. دستور تهیه این عوامل از طریق منابع متعدد در دسترس قرار می گیرد و اجزای سازنده به طور عادی از فروشندگان تجاری خریداری می شوند یا از استاد به دانشجوی او منتقل می شوند. مجریان قانون، دیگر سؤال آیا اقدام تروریسم بیولوژیک به وقوع خواهد پیوست را نمی پرسند، بلکه می پرسند اقدام تروریسم بیولوژیک چه وقت به وقوع می پیوندد؟ جان سوپکو مشاور حقوقی ارشد اقلیت زیرمجموعه کمیته دایمی تجسس سنا چنین پیش بینی می کند: اتفاق بزرگ بعدی این است که خیل مردم با حال بسیار بد به بیمارستان ها می آیند و ظرف هفتاد و دو ساعت می میرند. گزارش ارایه شده از سوی دفتر ارزیابی فن اوری (DTA) راجع به سلاح های کشتار جمعی برآورد کرده یک کلاهک از هاگ سیاه زخم که در روزی با باد متوسط روی واشنگتن دی سی فرود بیاید سی تا صد هزار نفر را خواهد کشت. با این وصف این

کسی که در ساختن آفت کش ها تبحر داشته باشد، می تواند سلاح شیمیایی بسازد. اولین اقدام بزرگ تروریسم شیمیایی مؤید این عمل است.

در مارس سال ۱۹۹۵ فرقه شینریکیو که یک فرقه ناشناس از متعصبین عصر جدید مستقر در ژاپن است یک تهاجم شیمیایی را در سیستم متروی توکیو به راه انداخت. پنج نوع از ادوات شیمیایی با پوشش جعبه ناهار و جعبه نوشابه در تعداد زیادی از اتومبیل های داخل زیرگذر در محل تلاقی با مرکز شهر توکیو پخش و منتشر شدند. تعداد زیادی از مسافران ظرف چند دقیقه نقش بر زمین شدند، دوازده نفر ظرف چند روز جان باختند و حدود پنج هزار و پانصد نفر مجروح شدند. کم تر از یک سال طول کشید تا اعضای شینریکیو سارین کاربردی در آن حمله را بسازند.

در حالی که این حمله علناً کم تر از حد انتظار این فرقه بود، اما وقوع صرف آن امواج شوک آور را به سراسر دنیا منتقل کرد. شینریکیو به واسطه این که اولین گروه تروریستی بود که از یک سلاح کشتار جمعی استفاده کرد یک سنت مهم را رقم زد. مدت هاست که کارشناسان تروریسم بر این باور هستند که وقتی عملیات های تروریستی از حد آستانه عبور کند استفاده تروریست ها از سلاح های غیرمتعارف سریعاً گسترش پیدا می کند. «یونا الکساندر» کارشناس تروریسم معتقد است: «حمله به توکیو دارای مضامین و محتوای جهانی بود، زیرا با کشتار جمعی یک جهش موج دار و ذره ای^۱ را برای تروریسم نشان داد.» افبی آی طی گزارشی اعلام نمود که پس از این حادثه تعداد تهدیدات متعدد به استفاده از سلاح شیمیایی به طور تصاعدی چند برابر شده است.

هر چند حمله به توکیو دارای وجه تمایز مبهم اولین اقدام بزرگ تروریسم شیمیایی بوده است، اما واقعاً اولین راهبردی بود که در طول سال ها توسط اقلیت تروریستی مورد ژرف اندیشی قرار گرفته است. مثلاً در سال ۱۹۸۵ عوامل فدرال به محوطه گروه جناح راستی «پیمان، شمشیر و سلاح خداوند» یورش بردند و در میان چیزهای دیگر، بشکه ای حاوی سی و پنج

۱-کوانتومی.

جنگ بوده اند. مخرب ترین اقدام واحد از نظر کشتگان در تاریخ جنگ ها در اثر نابودی یک سد توسط ارتش چین در جنگ دوم جهانی پدید آمد. ارتش چین در ژوئن سال ۱۹۳۸ به منظور جلوگیری از پیش روی مهاجمان ژاپنی سد هوایوانکو بر روی رودخانه زرد را با دینامیت منفجر کرد. هر چند سیلاب حاصل در متوقف کردن پیش روی ژاپنی ها موفق شد اما پیامدها و عواقب آن مخرب بودند. این سیلاب یازده شهر و بیش از چهار هزار روستای چین را نابود کرد. چند صد هزار چینی غرق شدند و چند میلیون نفر هم بی خانمان شدند. میلیون ها هکتار زمین کشاورزی زیر آب رفت و هم محصولات کشاورزی و هم منابع تجدیدنپذیر از بین رفتند. رودخانه زرد تا سال ۱۹۴۷ تحت کنترل در نیامد.

در طول جنگ کره، امریکا راهبرد خود خواسته نابودی سد علیه کره شمالی را دنبال کرد. هدف این تاکتیک خود محیط زیست بود. کره به عنوان یک جامعه کشاورزی وابسته به زمین بود و انفجار سدها از همین وابستگی با هدر دادن منابع آب کشاورزی با ارزش، ویرانی زمین های کشاورزی و متوقف کردن عرضه برنج به شهروندان و سربازان استفاده کرد. جذابیت سد به عنوان یک هدف برای فعالیت تروریستی آشکار است چون حداقل تلاش به تخریب عظیم زیست محیطی طولانی مدت منجر می شود. در جنگ دوم جهانی فرماندهان انگلیسی تخریب سد را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به حداکثر تأثیر با حداقل تلاش توصیف کردند. سازمان فدرال مدیریت ریسک و ایمنی همگانی مشخص کرده که یک ماده منفجره کارگذاری شده در یک سد بزرگ امریکا باعث نابودی فاجعه بار پایین دست می شود (۳۱). مقامات فدرال ابراز نگرانی کرده اند که سدهای امریکا می توانند هدفی برای حملات تروریستی بشوند (۳۲). آن طور که تاریخ نشان می دهد تخریب زیست محیطی که می تواند ناشی از نابودی سدهای خاکی، برغاب ها و سدها باشد بسیار عظیم است. مثلاً متخصصان امر پیش بینی کرده اند، اگر سد گلن کانیون فرو بریزد، دریاچه پاول که دومین آب انبار بزرگ امریکاست دوباره از گزند کانیون یک مجسمه می سازد.

کلاهک محتمل ترین روشی نیست که تروریست ها از این سلاح مرگبار استفاده خواهند کرد. یک سناریوی واقعی تر که در گزارش یاد شده ارزیابی شده یک هواپیمای شخصی کوچک با بار ۲۲۰ پوند هاگ سیاه زخم است که بر فراز واشنگتن پرواز می کند. چنین هواپیمایی با پاشیدن یک غبار نامرئی در یک روز با باد متوسط یک میلیون نفر را خواهد کشت. پیش بینی های تروریسم بیولوژیکی که ممکن است به زودی رخ دهد، بی پایه و اساس نیستند. در سال ۱۹۹۵ چهار عضو شورای وطن پرستان - یک گروه ضد دولت- به توطئه برای سوء قصد به جان عوامل فدرال توسط یک سم بیولوژیک به نام ریسین محکوم شدند. این عامل بی نهایت قوی عصاره پروتئین پودر شده کرچک دانه معمولی است. اگر کم ترین مقدار ریسین گوارده، جذب، یا استنشاق شود با ترکاندن گلبول قرمز خون قربانی او را می کشد. این سم شش هزار برابر سیانید سمی است و هیچ درمانی ندارد. طرح اعضای شورای وطن پرستان این بود که ریسین را با یک حلال مخلوط کنند که به راحتی از راه پوست جذب می شود و این مخلوط را روی دستگیره در یا فرمان ماشین که قربانیان حتماً با آن تماس پیدا خواهند کرد، بمالند. ۰/۷ گرم ریسین تولید شده برای کشتن صد نفر کافی است.

۲-۲-۳- انرژی آب

آب یکی از بزرگ ترین منابع انرژی ذخیره شده در محیط زیست است. به عنوان مثال هزاران سد خاکی، آب بند (برغاب) و سد در ایالات متحده دارای ظرفیت تخریب عظیمی هستند. انرژی ایستای این بخش های آبی که توسط این موانع تحت نظر نگه داشته می شود از یک نیروی مخرب معادل با یک سانحه هسته ای برخوردار است (۲۹). سد هوور واقع بر رودخانه کلرادو در بین نوادا و آریزونا از مغروق شدن هزاران هکتار زمین در هر دو ایالت توسط ۹/۲ تریلیون گالن آب جلوگیری می کند (۳۰). مثل سایر گونه های تروریسم زیست محیطی، کاربرد آب به عنوان یک سلاح از میدان نبرد برخاسته است. در طول تاریخ، فرماندهان نظامی در صدد استفاده از انرژی آب در دوران

۳- دکتربین حقوق داخلی موجود

۳-۱- حقوق مبارزه با تروریسم

دولت امریکا بر اساس این اصل که تروریست ها تبهکاران عادی هستند عمل می کند. این راهبرد برخورد با تروریست ها به عنوان جنایتکار عادی یعنی کسی که به خاطر دلایل صرفاً شخصی در جرمی شرکت می کند، برای غیر مشروع ساختن عمل تروریستی طراحی شده است. مسئولان قضایی با چشم پوشی از ماهیت سیاسی جرم میل شدید تروریست ها برای زبان زد شدن را سرکوب و در عین حال از این تأثیر ذهنی که یک معضل تروریستی جدی وجود دارد بازداری می کنند. محوریت فعالیت ضدتروریسم مطابق با راهبردهای سنتی اجرای قانون، دستگیری و مجازات است. مسئولان قضایی که در حیطه این شاخصه «تروریست یعنی جنایتکار» عمل می کنند در کشاندن تروریست ها به محضر عدالت گستری به حقوق کیفری کلاسیک متکی هستند. تروریست ها به علت ارتکاب هر جرمی متهم می شوند که برای پیشبرد اقدام تروریستی متعاقب جرم ارتکاب می یابد، نه به علت نفس اقتضای تروریسم. این اتهامات به طور معمول نسبت به حمل و نقل، نوع تجارت مورد حمله، یا سلاح خاص کاربردی همچون مواد منفجره، متمرکز شده اند (۳۳). دادرسی جرایم حقوق عرفی مانند قتل، سوء قصد و توطئه عناصر لازمه پرونده علیه تروریست ها هستند. تروریست ها اغلب با شرکت در دامنه وسیع رفتار مجرمانه منتهی به سانحه تروریستی به طور ناخواسته در اجرای این راهبرد به مسئولان دادرسی کمک می کنند. تروریسم در مقام تروریسم یک جرم فدرال در امریکا را شکل نمی داد تا این که قانون ضد تروریسم و حکم اعدام اجرایی سال ۱۹۹۶ گذرانده شد. قانون ضد تروریسم و حکم اعدام اجرایی به علت بمب گذاری در شهر آکلاهما وضع شد تا ابزار دیگری در جنگ با تروریسم در اختیار دولت فدرال قرار بگیرد. این قانون به طور خاص ارتکاب یک عمل تروریستی بین المللی در امریکا را یک جرم فدرال می داند. حقوق مبارزه با تروریسم علاوه بر جرم انگاری تروریسم مقرره هایی را در بر دارد که: الف- جمع آوری اعانه در امریکا توسط گروه های خارجی را ممنوع کرد که بنا به تشخیص

وزارت امور خارجه در فعالیت تروریستی مشارکت داشته اند؛ ب- ایجاب می کنند مواد انفجاری پلاستیکی دارای برچسب شیمیایی باشند تا ردیابی منبع آن ها برای اجرای قانون آسان تر شود؛ و ج- استفاده از سلاح شیمیایی در امریکا یا بر علیه اتباع امریکایی در خارج از کشور را جرم می انگارند. این مقرره اخیر یعنی جرم انگاری استفاده از سلاح شیمیایی مقرره های موجود در قانون سلاح های بیولوژیک سال ۱۹۸۹ را منعکس می کند. کنگره، قانون سلاح های بیولوژیک را برای اجرای بخش هایی از کنوانسیون سلاح و سموم بیولوژیک سال ۱۹۷۲ و مبارزه با اقدامات تروریسم زیستی وضع کرد. مواد کلیدی این قانون طراحی، تولید، نقل و انتقال یا مالکیت آگاهانه هر عامل، سم، یا سیستم تحویل بیولوژیک را به عنوان یک جرم فدرال تعریف کرده است. مصوبه های قانونی ضدتروریسم و سلاح های بیولوژیک مصادیق قوانین طراحی شده برای مبارزه با تهدیدات تروریستی نوظهور در چارچوب پارادایم «تروریست یعنی جنایتکار» می باشند. این قوانین، منطبق با رویکردهای داخلی سنتی به فعالیت تروریستی، بر روی دستگیری و مجازات تبهکاران متمرکز شده اند و سلاح دیگری در زرادخانه دادخواست ها را در اختیار مسئولین دادرسی قرار می دهند.

۳-۲- حقوق حفاظت از محیط زیست

از نظر تدوین مقررات و قوانین حقوقی، ایالات متحده یکی از کشورهای پیش رو در عرصه حفاظت از محیط زیست است. هرچند در عمل، در بسیاری از جنبه ها کاستی های اساسی داشته است. مجموعه قوانین فدرال با هدف حفاظت از محیط زیست، از قرن نوزدهم بخشی از حقوق امریکا بوده اند (۳۴). حفاظت از محیط زیست به طرز چشمگیری با وضع انبوهی از مجموعه قوانین فدرال در دهه ۱۹۷۰ از جمله اصلاحیات قانون هوای پاک و قانون آب آشامیدنی سالم گسترش پیدا کرده است. این مجموعه قوانین برای ایجاد یک نظام قانونی فراگیر جهت مهار کردن آلودگی و حفظ خلوص و پاکی هوا، آب و خاک امریکا تنظیم شده اند. آن مجموعه قوانینی که به کنترل آلودگی و حفظ محیط زیست پرداخته اند، توسط سازمان

خصوص پیگرد آلودگی توانایی مسئولان قضایی برای انجام دادرسی کیفری افراد متخلف از قوانین حفاظت از محیط زیست را بیش تر کرد. این قانون تعداد بازرسان تخصصی به سازمان حفاظت از محیط زیست را چهار برابر کرد، حمایت فنی از بازرسان را افزایش داد و یک مرکز آموزش ملی را برای کمک به مسئولان اجرایی برای درک مجموعه قوانین زیست محیطی مصطلح به فنی دایر کرد. انگیزه اولیه برای جرم انگاری در حقوق زیست محیطی و یک عامل مهم سهم در افزایش تلاش های اجرایی، بروز خود آگاهی زیست محیطی در امریکا بوده است (۴۰). در سه دهه اخیر سازمان های وقف محیط زیست آگاهی عمومی فوق العاده ای را درباره محیط زیست تهدید شده پدید آورده اند. حالا مردم جرایم زیست محیطی را بیش تر به جرایم سنتی و نه تخلف قانونی محض، شبیه می دانند. یک نظرسنجی همگانی وزارت دادگستری در مورد جرم و جنایت، فعالیت های زیست محیطی غیر قانونی را در بین جرایم خشن نظیر قتل و تجاوز به عنف و سایر جرایم اداری نظیر فساد اخلاقی دولت رتبه بندی کرد. تعداد زیادی از مفسران بیان داشته اند که ارزش های پسا صنعتی که بر حفاظت از محیط زیست در برابر بهره گیری از حد (استثمار) از منابع طبیعی تأکید دارند، بخشی از یک جهان بینی جدید هستند که مفسران آن را شاخص زیست محیطی جدید نامیده اند (۴۱).

به نظر می رسد یک بررسی مختصر از حقوق بین الملل مؤید ماهیت جهانی این روند باشد. جامعه بین الملل هر روز بیشتر از قبل به نیاز به حفاظت از محیط زیست و حقوق بین الملل که مطابق با آن توسعه یافته باشد پی برده اند (۴۲).

در ابتدا حقوق بین الملل زیست محیطی شکل معاهدات موضوعی را به خود گرفت. یکی از اولین معاهدات برای پرداختن به حفاظت از محیط زیست معاهده سال ۱۹۵۹ قطب جنوب بود. این معاهده دفع زایدات و انفجار هسته ای در قطب جنوب را ممنوع کرد و این قاره را مکانی برای تحقیقات علمی نام گذاری کرده که فقط برای اهداف صلح آمیز مورد استفاده قرار می گیرد. به همین صورت کنوانسیون سال ۱۹۷۲ در خصوص پیشگیری از آلودگی دریا در اثر دفع زباله و مواد دیگر

حفاظت از محیط زیست به اجرا در می آیند، در حالی که آن مجموعه قوانینی که به طور مستقیم تر به حفظ حیات وحش و دیگر منابع طبیعی می پردازند، توسط زیربخش های گوناگون وزارت کشور به اجرا در می آیند. این سازمان های قانونی قوانین حفاظت از محیط زیست را توسط روش های گوناگون از قبیل مجازات های مدنی و کیفری اجرا می کنند.

بیش تر قوانین زیست محیطی مهم در امریکا مشتمل بر مجازات کیفری برای تخلف از این مقرر ها هستند (۳۵). حمل یا دفع زباله های خطرناک بدون مستندسازی مناسب به موجب قانون پایستگی و بازیافت منابع یک جرم کیفری محسوب می شود، تخلف از این قبیل مقرر های کیفری توسط سازمان های ذیربط جهت دادرسی کیفری به وزارت دادگستری ارجاع می شوند. اما تا همین اواخر دادرسی کیفری تخلف از قوانین زیست محیطی نادر بود (۳۶). در دهه ۱۹۷۰ فقط بیست و پنج پرونده زیست محیطی کیفری توسط وزارت دادگستری مورد رسیدگی و دادرسی شدند (۳۷). در سال ۱۹۸۲ سازمان حفاظت از محیط زیست فقط بیست پرونده زیست محیطی کیفری را به وزارت دادگستری ارجاع داد. اما تا قبل از سال ۱۹۹۰ این رقم به شصت و پنج ارجاع منجر به یکصد و سی و چهار کیفرخواست افزایش یافت. این افزایش دادرسی کیفری آلوده کنندگان شرکتی به عوامل متعددی از جمله شکست مجازات های مدنی در بازداری از عمل غیرقانونی شرکت ها اطلاق پذیر است (۳۸). در بیش تر موارد مشوق های سودآور توأم با جرم زیست محیطی بر مجازات های قانونی می چربند. از نظر شرکت ها این مجازات ها هزینه تجارت و کسب و کار هستند و در بیش تر موارد به سادگی این هزینه را به مصرف کننده منتقل می کنند. مجازات های کیفری دستخوش همین محدودیت ها نیستند (۳۹). تعقیب کنندگان معتقدند بدنامی، ننگ و هدر رفتن حسن نیت همراه با دادرسی کیفری هم شرکت ها و هم مأموران آن ها را از تخلف از قوانین حفظ محیط زیست باز می دارد. به علاوه تعداد زیادی از مجموعه قوانین زیست محیطی مجازات زندان را برای مأموران و کارکنان شرکتی در حد مسئولیت شغلی شان مجاز کرده اند. قانون مصوبه ۱۹۹۰ در

قضایای ماهوی مربوط به این قبیل جبران ها در حقوق عرف بین الملل اشاره کردند. «کنوانسیون پیرامون حفاظت از سیل های خردار در پاسیفیک شمالی (۱۹۱۱)»، «کنوانسیون بین المللی راجع به پیشگیری از آلودگی دریا توسط نفت (۱۹۵۴)» و «کنوانسیون بین المللی در خصوص پیشگیری از آلودگی ناشی از کشتی‌ها (۱۹۷۳)» همگی شامل مقررهای کیفری هستند، اما به رغم موافقان مفسران و حمایت مؤثر اقتدار بین المللی در حال حاضر اکوسیستم کشتی به عنوان یک جرم بین المللی به رسمیت شناخته نمی شود. چون خیلی از کشورها با این احتجاج که حق داشتن محیط زیست سالم که منطبق حقوقی اولیه را برای جرم اکوسیستم کشتی فراهم می سازد به سطح حقوق بین الملل عرفی ارتقا یافته، جدل دارند.

۴- ناکارآمدی دکتترین حقوقی موجود

۴-۱- عدم کاربردپذیری مقررات موجود

مجموعه قوانین موجود در خصوص حفظ محیط زیست برای کنترل این نوع نابودی بی رحمانه محیط زیست ارتكابی توسط تروریست ها منظور نشدند. طرح های وسیع قانونی ایجاد شده توسط این مجموعه قوانین نظیر قانون مصوب سال ۱۹۸۰ واکنش زیست محیطی فراگیر، جبران خسارت و مسئولیت جهت بازدارندگی از آلودگی شرکتی و نه تروریسم زیست محیطی، طراحی شده اند. در واقع از ۱۳۴ کیفرخواست حاصل از شصت و پنج ارجاع سال ۱۹۹۰ به وزارت دادگستری نود و هشت درصد از شرکت ها، رؤسا، مالکان، معاونان، مدیران و سرپرستان به عنوان متشاکی نام بردند (۴۴).

تعقیب تروریست‌های زیست محیطی به موجب مجموعه قوانین حفاظت از محیط زیست با شاخص برخورد با تروریست به عنوان تبهکار عادی مغایرت دارد. همان‌طور که پیش تر بحث شد اقدامات تروریستی از دیرباز به واسطه جرایم مصوب تحت دادرسی قرار گرفته اند. طرح های قانونی پیچیده نظیر آن ها که در مجموعه قوانین زیست محیطی یافت می شوند، فوراً با این شاخص «تروریست یعنی جنایتکار» تطبیق پیدا نمی کنند. چنین مجموعه قوانینی در حالی که به قواعد کیفری مجهز

با کنترل مقدار و ویژگی زباله هایی را که در دریا دفن می شوند به طور اختصاصی از اقیانوس ها حفاظت می کند. اما رویکرد بین المللی به حفاظت از محیط زیست با کنفرانس سازمان ملل در خصوص محیط زیست بشر که در سال ۱۹۷۲ در استکهلم برگزار شد شروع به تغییر کرد. کنفرانس فوق که به طور مرسوم به کنفرانس استکهلم معروف است برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد را برای تسریع اقدام زیست محیطی دایر کرد. این کنفرانس بیانیه ای را هم منتشر کرد که اصول غیر الزامی متمرکز بر محیط زیست را بیان می کند. اصل نخست بیانیه مشخص کرده که انسان ها از حق اساسی آزادی، تساوی و شرایط مناسب زندگی در محیطی با کیفیت برخوردارند که زندگی با رفاه و شأن انسانی را فراهم سازد و آن ها مسئولیت خطیر حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و نسل آینده را بر عهده دارند. عده ای از مفسران حقوقی معتقدند این بیانیه به همراه طرز عمل کشورها و دادگاه های بین المللی مؤید این پیشنهاد هستند که حق داشتن محیط زیست سالم وارد مجموعه حقوق بین الملل عرفی شده است. حقوق بین الملل عرفی به عنوان یک شیوه عمل عمومی در میان کشورها تعریف شده که طوری به اجرا در می آید که شواهدی دال بر این باور را به وجود می آورد که این شیوه عمل به واسطه موجودیت حکم آمره قانونی، الزامی است (۴۳).

مفسرانی که حق داشتن محیط زیست سالم را بیان کردند و اظهار داشتند به عنوان یک هنجار حقوق بین الملل عرفی پذیرفته شده، تصریح کردند متخلف از این اصل بر اساس جرم بین المللی اکوسیستم کشتی مجازات می شود. ابتدا اصطلاح اکوسیستم کشتی برای طبقه بندی ویرانی عظیم محیط زیست در جنگ، مخصوصاً استفاده امریکا از علف گش در جنوب شرقی آسیا ابداع شد. اکوسیستم کشتی در کل به عنوان نابودسازی عمدی کامل یا جزئی هر قسمت از اکوسیستم جهانی تعریف شده است.

موافقان اکوسیستم کشتی اظهار داشته اند حق اساسی بشر برای داشتن محیط زیست سالم معنا و مفهومی ندارد، مگر این که قانون جبران کیفری برای نقض آن را منظور کند. آنان به رویه

انجام برساند. حقوق کیفری به دلایل گوناگون ظاهر می‌شود: حفظ منافع کشور، بازدارندگی، سرکوب و مجازات فعالیت‌های ناخوشایند، ایجاد نظم، امنیت و عدالت در میان اعضای جامعه و بخشیدن قدرت و نمایندگی نمادین به ارزش‌ها، باورها و تعصبات قانون‌گذاران. جرم یک عمل خلاف عمومی است که ارزش‌های اجتماعی بنیادین را تهدید می‌کند. هم قانون و هم جامعه معرف یک عنصر انزجار اخلاقی جامعه علیه جنایت کاران هستند چون مرتکب عملی خلاف شده‌اند. همان‌طور که قبلاً بحث شد مردم در کل، جرایم ضد محیط زیست را یک عمل جنایی خطیر تلقی می‌کنند. از نظر خیلی‌ها حفاظت از محیط زیست به اندازه امنیت ملی، رفاه اقتصادی، عدالت اجتماعی و حتی خوددموکراسی برای رفاه جمعی ما اهمیت دارد. تعقیب تروریست‌های زیست محیطی بر اساس همان مجموعه قوانین مختص به آلوده‌کننده‌های شرکتی به طور شایسته این موضع را منعکس نمی‌کند. مجموعه قوانین حفاظت از محیط زیست مجازات‌های کیفری را برای جرایم قانونی در نظر گرفته‌اند، اما کارکرد گویای حقوق کیفری را اجابت نمی‌کنند. این قواعد به تقبیح جامعه از ویرانی تعهدات زیست محیطی و وجهه نمادین شایسته را نمی‌بخشند. بنابراین تعقیب تروریست‌ها بر اساس این مجموعه قوانین باعث تضعیف تمایل شدید ابراز شده جامعه برای مجازات اقدام به جرم زیست محیطی می‌شود. تروریسم زیست محیطی توسط جامعه تقبیح می‌شود اما به طور شایسته توسط قانون مجازات نمی‌شود.

نتیجه‌گیری: پیشنهاد راهبردهای حقوقی در جرم‌انگاری

تروریسم زیست محیطی

جرم‌انگاری تروریسم زیست محیطی به تقبیح جامعه از تخریب عمدی محیط زیست و وجهه نمادین می‌بخشد. با اعمال اکوسیستم‌کشی نه به عنوان تخلف قانونی صرف بلکه به مثابه جرایم سنتی برخورد می‌شود. این نه تنها مزایای عملی را برای مسئولان قضایی فراهم می‌سازد بلکه بیش‌تر گویای طرز فکر مردمی است که حالا ارتکاب جرم علیه محیط زیست را جرم خطرناک می‌دانند. هر چند بعید است جرم‌انگاری اعمال

هستند با تخلفات بیش‌تر مانند جرایم قانونی برخورد می‌کنند، نه جرایم حقوقی عرفی (۴۵). به علاوه، معیارهای مسئولیت، شهادت و اثبات و مدرک که به موجب مجموعه قوانین کیفری سنتی به خوبی تثبیت شده‌اند به موجب این طرح‌های قانونی زیست محیطی چندان واضح و شفاف نیستند.

مجموعه قوانین حفاظت از محیط زیست با مجبور کردن مسئولان قضایی به نظارت در قلمرویی ناآشنا، پیگرد تروریست‌های زیست محیطی را دشوار می‌سازند. حقوق محیط زیست به طرز مشهودی فنی و پیچیده است و تعداد اندکی از مسئولان قضایی دارای تجربه‌ای گسترده در این زمینه هستند. مقررات خود سازمان حفاظت از محیط زیست بدون پیشگفتارهای توجیهی و دستورالعمل سازمان جمعاً به بالغ بر ده هزار صفحه در مجموعه قوانین فدرال می‌رسد و دائماً در حال تغییر می‌باشد. این طرح‌های قانونی به قدری پیچیده هستند که قانون‌گذاران، مشاوران و وکلای محیط زیست به طور منظم در یکی دو قانون خاص تخصص پیدا می‌کنند.

محتمل است به طور کلی مسئولان قضایی مواجه با پیچیدگی مجموعه قوانین حفاظت از محیط زیست از آن‌ها پرهیز می‌کنند و در عوض به طور محض به مجموعه قوانین کیفری قابل کنترل‌تر برای کشاندن تروریست‌های زیست محیطی به دادگاه متکی می‌باشند. این شیوه کار نمی‌تواند ارزش اجتماعی را منعکس کند. حقوق کیفری صرفاً یک وسیله مکانیکی در خدمت نیازهای مسئولان قضایی نیست. حقوق کیفری گویای اخلاق اجتماعی است و با انتقال مباحث و شناخت، به ارزش‌های اخلاقی نیرو و نمایندگی نمادین می‌بخشد. قصور در دادرسی عناصر زیست محیطی یک عمل تروریستی باعث تضعیف این کارکرد گویای حقوق کیفری می‌شود.

۴-۲- نقص در اجرای ساختار شفاف حقوق کیفری

هدف حقوق کیفری نه تنها حفظ نظم و امنیت، بلکه حفظ رفاه اخلاقی کشور است. قصور در تعقیب تروریست‌ها به علت ارتکاب جنایت علیه محیط زیست نمی‌تواند این هدف را به

یعنی امکان اجتناب از باتلاق مجموعه قوانین پیچیده حفاظت از محیط زیست را برای مسئولان قضایی فراهم می سازد. مجازات هم می تواند شدیدتر از مجازاتی باشد که در مجموعه قوانین حفاظت قانونی از محیط زیست یافت می شود.

تعقیب اکوسیستم کشتی به دلیل جرایم مصوب یک عمل، تروریسم زیست محیطی را از ریشه در نمی آورد، بلکه سلاح دیگری از کیفرخواست ساخته و پرداخته شده را در اختیار مسئولان قضایی قرار می دهد، سلاحی که اکیداً ماهیت زیست محیطی جرم را تقبیح می کند.

یک کاربرد نشان دادن این قانون به شناخت بهتر مزیت های عملی و گویای آن کمک می کند. همان طور که پیش تر بحث شد در سال ۱۹۸۵ بشکه ای حاوی ۳۵ گالن سیانید در محوطه گروه جناح راستی پیمان، شمشیر و سلاح خداوند کشف شد. قرار بود از این سیانید برای مسموم کردن منبع آب واشنگتن دی سی و شهر نیویورک استفاده شود. به منظور تشریح بیابید فرض کنیم تروریست ها در توطئه شان موفق شدند. حمله سیانیدی به منبع آب نیویورک موجب بیماری هزاران نفر شد، روزها آب رسانی در شهر را مختل کرد و تأثیرات بلند مدتی بر روی هر دو اکوسیستم جانوری و گیاهی داشت.

این اقدام تروریسم زیست محیطی می توانست به مثابه جرم اکوسیستم کشتی مجازات شود، چون متضمن دستکاری عمدی محیط فیزیکی بود که از قسمت هایی از اکوسیستم جهانی استفاده کرده یا به آن ها خسارت رسانده است. از طرفی این عمل با آگاهی یا بی توجهی سهوی به تأثیرات فوری یا بلند مدتش بر روی اکوسیستم جهانی به انجام رسیده است. رابطه علی باید با اثبات این مسأله برقرار شود که مسموم کردن آب از جنبه ای از اکوسیستم جهانی سوء استفاده کرده یا به آن لطمه رسانده است.

روند دادرسی این پرونده نیز می تواند تروریست ها را به علت جرایم حقوق عرفی محکوم کند، از قبیل اقدام به قتل یا سوء قصد یا به خاطر تخلف از مجموعه قوانین حفاظت از محیط زیست، اما جرم اکوسیستم کشتی گزینه بهتری است، یک گزینه که عاری از بار مرتبط با مجموعه قوانین پیچیده حفاظت از

اکوسیستم کشتی از اعمال تروریست های زیست محیطی بازدارندگی کنند، اما این کار هم به الزامات عملی شاخص تروریسم یعنی جرم و هم به کارکرد گویای حقوق کیفری خدمت می کند.

بنابراین، اقدامات تروریسم زیست محیطی باید به علت آن چه هستند (جرم و جنایت ضد محیط زیست) شناخته شوند. جرم انگاری تروریسم زیست محیطی به منزله اعمال اکوسیستم کشتی، انزجار اجتماعی از چنین رفتاری را تدوین می کند و در عین حال این توان را به مجریان قانون می دهد که در حیطة شاخص «تروریست یعنی جنایتکار» عمل کنند.

حقوق بین الملل پیشنهاد اکوسیستم کشتی الگویی را برای مجموعه قوانین داخلی ارایه می کند. اکوسیستم کشتی بین المللی بر مبنای تخلف عمدی یا سهوی از حقوق بین الملل عرفی تعریف شده است. اکوسیستم کشتی داخلی باید بر مبنای تخلف عمدی یا سهوی از یک قانون مدون کیفری خاص که چنین رفتاری را منع کرده استوار باشد.

جرم اکوسیستم کشتی داخلی باید به عنوان دستکاری یا تخریب عمدی یا سهوی هر جنبه از محیط فیزیکی که به تمام یا بخشی از هر قسمت از اکوسیستم جهانی صدمه بزند یا آن را به استثمار درآورد تعریف شود. این تعریف نه تنها اعمال تخریب کننده محیط زیست بلکه اعمالی را در بر می گیرد که از آن به عنوان مجرای تخریب استفاده می کنند.

اعمالی که با آگاهی از تأثیرات فوری یا بلند مدت بر روی اکوسیستم های جهانی و یا با بی توجهی سهوی به آن ها به انجام می رسند، باید به عنوان اعمال اکوسیستم کشتی مجازات شوند. علت از طریق صدمه وارد شده به اکوسیستم متأثر و یا از طریق شواهد و مدارک دال بر استفاده از محیط زیست به عنوان مجرای برای عمل تروریستی اثبات می شود.

یک جرم قانونی اکوسیستم کشتی توان مبارزه با تروریسم زیست محیطی در بافت شاخص «تروریست یعنی جنایتکار» را به مجریان قانون می بخشد. می توان تروریست زیست محیطی را به مثابه یک جنایتکار عادی دستگیر و مجازات کرد، پیگرد به دلیل اکوسیستم کشتی به پیگرد سایر جرایم عادی شباهت دارد

9. Michael N. Schmitt, 1997, Green War: An Assessment of the Environmental Law of International Armed Conflict, 22 YALE J. INTL L. 1, 7-8.
10. Michael D. Diederich, Jr., 1992, Law of War and Ecology-A Proposal for a Workable Approach to Protecting the Environment Through the Law of War, 136 MIL. L. REV. 137, 149-52.
11. Roberta Smith, 1997, America Tries to Come to Thrms with Terrorism: The United States Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act of 1996 v. The British Anti-Terrorism Law and International Response, 5 CARDOZO J. INTL & Compo L. 249, 249-50.
12. BENJAMIN NETANYAHU, 1995, FIGHTING Terrorism 129.
13. Bruce W. N elan, 1994, Formula fur Terror: The Former Soviet Arsenal 18 Leaking into the West, Igniting Fears of a New Brand of Nuclear Horror, TIME, Aug. 29, at 46.
14. GRAHAM T. ALLISON ET AL., 1996, AVOIDING NUCLEAR Anarchy 1-2.
15. KEVIN JACK RILEY & BRUCE HOFFMAN, 1995, DOMESTIC Terrorism 3.
16. Michael Stohl, 1990, Demystifying the Mystery of International Terrorism, in INTERNATIONAL TERRORISM ,p 81, 82
17. John Hanchette & Dennis Camire, 1997, Deadly Germs Strike Fear into U.S. Terror Fighters SALT LAKE TRIB., Mar. p 30.
18. Steven Strasser & Tom Post, 1995, A Cloud of Terror-And Suspicion, NEWSWEEK, Apr. 3, P 36.

محیط زیست می باشد و گزینه ای که انزجار و خشم جامعه از جوانب زیست محیطی جرم را منعکس می سازد.

منابع

۱. مجیدی، سید محمود، ۱۳۸۶، «جرم انگاری تهاجمی فرانسه در جرائم تروریستی»، نامه مفید، شماره ۶۴، صص ۱۷۸-۱۸۰.
2. Arthur H. Westing, 1985, Environmental Warfare, 15 ENVTL. L. 645, 646.
3. Andreas Hasenclever and Volker Rittberger, Does Religion Make a Difference? Theoretical approaches to the impact of ۲۹, No.۳, ۲۰۰۰, pp. -۶۴۳
- ۶۴۶ Journal of International Studies, Vol. Faith on Political Conctict, Millennium
4. Stephan H. Leader, 1997, The Rise of Terrorism, SEC. MGMT., Apr. 1, available in 1997 WL 9533016
5. Robert Kupperman, 1997, A Dangerous Future, in TERRORISM IN THE UNITED STATES 91, 95
6. BRENT SMITH, TERRORISM IN AMERICA ,1996, Major Bernard K. Schafer, The Relationship Between the International Law of Armed Conflict and Environmental Protection: The Need to Evaluate What Types of Conduct are Permissible During Hostilities, 19 CAL. W. INT'LL.J. 287, 288-89
7. Susan Hedman, 1991, Expressive Function of Criminal Sanctions in Environmental Law, 59GEO. WASH. L. REV. 889, 896
8. Mark Allan Gray, 1996, The International Crime of Ecocide, 26 CAL. W. INTL L.J. 215, 258-59.

- Siege, Face New Pressures, THE SACRAMENTO BEE, Nov. 25
30. Adrienne Flynn, 1997, Protecting Dams Drains Agency Fund, THE ARIZONA REPUBLIC, Mar. 28
31. Wire Reports, Grand Coulee Dam Security Beefed Up to Thwart Terrorists, 1997, THE FORT WORTH STAR TELEGRAM, May 24.
32. H. Josef Hebert, Dam Security Being Strengthened as Threat of Terrorism Becomes Issue, 1997, THE COLUMBIAN, Mar. p 28.
33. Spencer J. Crona & Neal A. Richardson, 1996, Justice for War Criminals of Invisible Armies: A New Legal and Military Approach to Terrorism, 21 OKLA. CITY U. L. REV. 349, 355
34. SUSAN F. 1997, MANDIBERG & SUSAN L. SMITH, CRIMES AGAINST THE ENVIRONMENT, p 8
35. FRONA M. POWELL, 1997, LAW AND THE ENVIRONMENT, p 365
36. Richard J. Lazarus, 1994, Assimilating Environmental Protection Into Legal Rules and the Problem with Environmental Crime, 27 LOYOLA L.A. L. REV. 867, 868
37. Robert Deeb, 1993, Environmental Criminal Liability, 2 S.C. ENVTL. L.J. 159, 162
38. Steven L. 1990, Humphreys, An Enemy of the People: Prosecuting the Corporate Polluter as a Common Law Criminal, 39 AM. U. L. REV. 311, 326-27
39. Edward F. Novak & Charles W. Steese, 1997, Survey of Federal and State Environmental Crime Legislation, 34 ARIZ. L. REV. 571, 573
۱۹. طیبی، سبحان و باریک‌رو، بهنوش، ۱۳۹۲، «دموکراسی ستیزه‌جو ناقض صلح و امنیت بین‌المللی»، مجموعه مقالات کنگره شهدای ترور.
20. Brian Michael Jenkins, 1997, Perspective on Terrorism, L.A. TIMES, Dec. 3, at B7
21. Gavin Cameron, 1996, Nuclear Terrorism: A Real Threat? JANE'S INTELLIGENCE REV., Sep. 1, at 422
22. Thomas Halpern, 1997, Militia Movement: Prescription for Disaster, in TERRORISM IN THE UNITED States, p 51, 52.
23. Konrad Kellen, 1987, the Potential for Nuclear Terrorism: A Discussion, in PREVENTING NUCLEAR TERRORISM 104, 106.
۲۴. نمایان، پیمان و طیبی سبحان، ۱۳۹۳، «جرم‌انگاری تروریسم سایبری در حقوق بین‌الملل کیفری»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس ملی دفاع سایبری،
25. Robert K. Mullen, Nuclear Violence, 1987, in PREVENTING NUCLEAR TERRORISM, p231, 239-40
26. Gerald Pollack, 1987, Severe Accidents and Terrorist Threats at Nuclear Reactors, in PREVENTING NUCLEAR TERRORISM 66, 67.
27. WILLIAM THOMAS SCORCHED EARTH, 1995, THE MILITARY'S ASSAULT ON THE ENVIRONMENT.
28. Proliferation of Weapons of Mass Destruction, Hearing Before the Senate Perm. 1995, Subcomm. on Investigations, 104th Reg. Sess testimony of Frank E. Young, M.D., Director, National Disaster Medical System
29. Ibm Knudson & Nancy Vogel, 1997, Aging Dams, Already Under

- Assessment of their Growing Role in Policy, Legislation, and the Private Sector”, RAND Center for Risk Management and Assessment Policy, Accessed June 10, 2008, from http://rand.org/pubs/occasional_papers/2007/RAND_OP180-1.sum.pdf, p 4-6
45. Curavic, Danica, 2010, “Compensating Victims of Terrorism or Frustrating Cultural Diplomacy? The Unintended Consequences of the Foreign Sovereign Immunities Act’s Terrorism Provisions”, Cornell International Law Journal, Vol. 43, p 405-407
۴۶. معظمی، شهلا و نامامیان، پیمان، ۱۳۹۳، حقوق مبارزه با تروریسم هسته‌ای در اسناد بین‌المللی، تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر، چاپ اول.
40. Gerhard O. W. Mueller, 1996, an Essay on Environmental Criminality in ENVIRONMENTAL CRIME AND CRIMINALITY 4 (Sally M. Edwards et al. eds.).
41. Susan Hedman, 1991, Expressive Function of Criminal Sanctions in Environmental Law, 59 GEO. WASH. L. REV. 889, 890
42. Lynn Berat, 1993, Defending the Right to a Healthy Environment: Toward a Crime of Genocide in International Law, 11 B.U. INTL L.J. 327, 330
43. Dick Thornburgh, 1991, Criminal Enforcement of Environmental Laws- A National Priority, 59 GEO. WASH. L. REV. 775, 778.
44. Hoffman, B. and A.B. Kasupski, 2007, “The Victims of Terrorism: An

Archive of SID